

تقابل مردم و حکومت بر سر انکشاف متوازن و منافع ملی

سرمقاله

نبود عدالت، اصل مسأله است

محمد رضا هویدا

بعث از انتقال یک لین برق ولایت بامیان، همانند برآمدگی نوک یک کوه بیخ از میان آب دریا است. دولت افغانستان در بحران واقعی فساد اداری قرار دارد. خروج از این بحران برای دولت افغانستان در حال حاضر تقریباً ناممکن می نماید. هیچ اراده ای واقعی برای خروج از بحرانی چنین بزرگ در دولت افغانستان دیده نمی شود. در عین حال ابزارهای مبارزه با فساد اداری در دولت نیز دیده نمی شود و یا تقویت نمی شود.

اصل مشکل در این است که عدالت در دولت افغانستان گمشده است ای که دولتمردان هرگز به دنبال آن نمی گردند. دولتمردان، چه در پست های بسیار بلند و چه در پست های میانی، تصمیم گیری و انتخاب را حق خود و تیم خود می دانند و عدالت و حقوق دیگران توجه ندارند. برای درک بی عدالتی در حکومت افغانستان نیاز به تحقیق عمیق و موشکافانه ای نیست، از میزان حضور ساکنان مناطق ولایات در ساختار دولت، تا میزان قدرت تصمیم گیری در دولت، تا تخصیص بودجه برای ولایات مختلف، تا میزان حضور در بدنه دولت، تا تخصیص سفارت خانه ها به ولایات و اقوام مختلف، نوعی تبعیض و بی عدالتی مشخصا رخ می نماید. تقسیم بندی وزارت خانه ها به کلیدی و غیر کلیدی و تابو بودن حضور بعضی از اقوام و ملیت ها در راس شماری از وزارت خانه ها خود بی عدالتی آشکار نسبت به شهروندان است. و نیز تقسیم بندی ولایات کشور به درجه اول و دوم و سوم و نادیده گرفتن شماری از ولایات از توسعه و توجه به بعضی دیگر از این ولایات نیز مصداق واضح بی عدالتی است. کنار گذاشتن شماری از پروژه های بازسازی که بیش از ده سال است از پروژه های دارای اولویت دولت به ششمار می رفته و هر کدام از کاندیدان ریاست جمهوری تعهدی برای اجرای آن داشته اند، نیز بی عدالتی و تبعیض آشکار در حق شهروندان است.

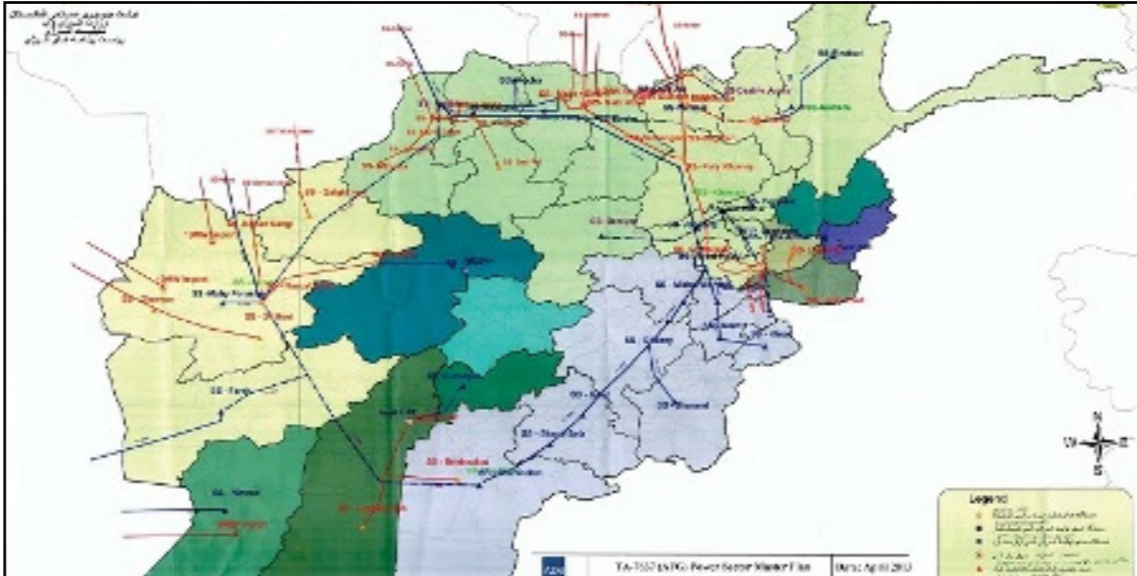
چند سال پیش، بحثی در رسانه مطرح شد که اقوام افغانستان چند فیصد در بدنه حکومت افغانستان سهم دارند. این بحث در آن زمان هر چند در مقیاس کوچک مطرح شد و ادامه نیافت، اما بحث مناسبی بود. بدین دلیل که یکی از راه های سنجش حکومت ها در مبارزه با تبعیض و تعصب به ششمار می رفت. اکنون بعد از بیش ده سال، سهم اقوام افغانستان از برنامه های مبارزه با تبعیض و بی عدالتی جز پاره ای شعارهای گراف چه بوده است. در یک نگاه گذرا میزان جذب افراد در ادارات مختلف دولتی تناسب خاصی با ملیت آنها را نشان می دهد. در دولت جدید نیز انتصاب و یا استخدام افراد در رده های بالای پست های دولتی چنین شبهه ای را تقویت می کند.

انتقال پروژه «توتا» از مسریر بامیان - وردک بحثی را آغاز کرده است که می تواند زمینه خوبی باشد برای ارزیابی عدالت در پروژه ها و عملکردهای حکومت افغانستان که آیا دولت افغانستان در پروژه های انکشافی خود اصل عدالت را در نظر گرفته است یا نه؟ و علاوه بر اینها آیا در کل، عدالت در اموری نظیر استخدام افراد، پست های دولتی، سفارت خانه و نمایندگی های افغانستان در خارج از کشور، در بودجه ملی و توزیع ثروت، قدرت، امکانات و... در نظر گرفته شده است؟ کوهی که در زیر این دریا نهفته است، در حقیقت می تواند «نبود عدالت» باشد. دولت وظیفه دارد تا جواب واضحی به این خواست و همه خواست های شهروندان در مورد اصل عدالت برای شهروندان داشته باشد.

به همین جهت دولت نباید در پشت وزارت انرژی و همین طور شرکت برشنا پنهنان شود. بحث نیز نباید با برشنا و وزارت انرژی در مورد یک پروژه منحصر بماند. دولتمردان باید به سؤال های مهمی در مورد توزیع عادلانه پروژه ها، امکانات، بودجه و قدرت برای همه شهروندان جواب بدهند.

اول هفته گذشته، رئیس جمهور در جلسه کابینه خارج از آجندا بر عبور لین برق ۵۰۰ کیلو ولت ترکمنستان از مسیر سالنگ تأکید نمود. در پی آن بسیاری از شهروندان کشور در فضای مجازی اعتراض نمودند. اعتراض ها اما، محدود به فضای مجازی نماند. شورای عالی مردمی تشکیل شد و به حکومت ۷۲ ساعت برای بازنگری در تصمیم شان دادند. حکومت از مجرای وزارت انرژی و آب و شرکت برشنا واکنش نشان داد. واکنش این دو نهاد اما، بیش از آنکه معقول و مستدل باشد توخالی و توأم با تکبر و غرور بود. دیروز، اما تظاهرات گسترده در بامیان صورت گرفت. هزاران تن به رسم اعتراض به خیابان ها آمدند و از حکومت وحدت ملی خواستند که بر اساس مطالعات و پیشنهاد شرکت فیشنر عمل نماید. به نظر می رسد که تظاهرات مردم بامیان آغاز یک حرکت مردمی است. این حرکت در ولایات دیگر و کشورهای بیرونی نیز ادامه خواهد یافت. این حرکت ها بیانگر تقابل مردم و حکومت بر سر انکشاف متوازن و منافع ملی را می رساند.

شرکت آلمانی فیشنر که مسئول تدوین ماستریلان کشور و مطالعه مسیر عبور لین برق ۵۰۰ کیلو ولت ترکمنستان بود گفت که این شرکت مسئولیت بررسی و مطالعه مسیر لین برق بامیان را بر عهده داشت حکومت از این شرکت تقاضا نموده بود که مسیر سالنگ را نیز مورد بررسی و مطالعه قرار دهد. این شرکت بعد از مطالعات و بررسی ها مسیر بامیان را بر سالنگ ترجیح می دهد. اکنون اما، حکومت استدلال می کند که در دوره حکومت حامد کرزی، رئیس جمهور قبلی افغانستان تصمیم بر انتقال لین برق ۵۰۰ کیلو ولت ترکمنستان از مسیر سالنگ گرفته شده است. بنابراین، حکومت فعلی تنها مسئول اجرایی کردن آن تصمیم است. استدلال حکومت بی مورد است. وقتی مسئله قانون اساسی در میان آید، مسئله عدالت اجتماعی و انکشاف متوازن مطرح باشد بازنگری به تصمیم حکومت قبلی (بر فرض اینکه حکومت قبلی چنین تصمیم گرفته باشد) یک ضرورت است. بنابراین، استدلال حکومت و مقامات در شرکت برشنا و وزارت آب و برق معقول به نظر نمی رسد.



حکومت گفته است: انتقال برق ۵۰۰ کیلو ولت ترکمنستان از مسیر سالنگ پرهزینه است که لین برق ۵۰۰ کیلو ولت ترکمنستان باید از بامیان عبور نماید. زمانی که این شرکت مسئولیت بررسی و مطالعه مسیر لین برق بامیان را بر عهده داشت حکومت از این شرکت تقاضا نموده بود که مسیر سالنگ را نیز مورد بررسی و مطالعه قرار دهد. این شرکت بعد از مطالعات و بررسی ها مسیر بامیان را بر سالنگ ترجیح می دهد. اکنون اما، حکومت استدلال می کند که در دوره حکومت حامد کرزی، رئیس جمهور قبلی افغانستان تصمیم بر انتقال لین برق ۵۰۰ کیلو ولت ترکمنستان از مسیر سالنگ گرفته شده است. بنابراین، حکومت فعلی تنها مسئول اجرایی کردن آن تصمیم است. استدلال حکومت بی مورد است. وقتی مسئله قانون اساسی در میان آید، مسئله عدالت اجتماعی و انکشاف متوازن مطرح باشد بازنگری به تصمیم حکومت قبلی (بر فرض اینکه حکومت قبلی چنین تصمیم گرفته باشد) یک ضرورت است. بنابراین، استدلال حکومت و مقامات در شرکت برشنا و وزارت آب و برق معقول به نظر نمی رسد.

سنگ در سمتگان، سیغان آپشیشه ولایت بامیان و معدن حاجی گگ و ... از این برق مستفید خواهد شد. فراموش نکنیم که ذغال سنگ یکی از مهمترین منبع تولید انرژی است. به عنوان مثال: دنمارک ۸۰ درصد انرژی مورد نیاز خود را از ذغال سنگ می گیرد. بنابراین، عبور لین برق از مسیر بامیان می تواند به رونق اقتصادی و افزایش تولید انرژی در افغانستان منجر شود. امری که عین منافع ملی کشور است. نمی توان استدلال کرد که تولید انرژی از ذغال سنگ و یا بهبود در استخراج معادن افغانستان و یا رشد صنعت و گردشگری در بامیان خلاف منافع ملی است. خواست مردم هیچ ناهمخوانی با منافع ملی ندارد. خواست مردم عین منافع ملی است. به دیگر سخن، مردم بهبود در وضعیت کار و استخراج معادن افغانستان را می خواهد، مردم دنبال رشد صنعت و گردشگری در یک ولایت محروم است. مردم خواهان افزایش درآمد سرانه ملی است. در مقابل اما، حکومت خلاف خواست های مردم را مطرح می کند. گسترش تظاهرات برای حکومت وحدت ملی هزینه بر است. به چند دلیل، حکومت با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می کند. بنابراین، خلق مشکل منجر به ضعف بیشتر حکومت می شود. فراموش نکنیم که رئیس جمهور و عبدالله عبدالله، رئیس اجرائیه حکومت وحدت ملی محبوبیت خود را از دست داده اند. کسب مشروعیت از مردم مستلزم شجاعت است. رئیس جمهور اگر در وضعیت کنونی تصمیم خود را در مورد انتقال لین برق ۵۰۰ کیلو ولت ترکمنستان تغییر ندهد بدون شک، سیاستمدار نیست و از سیاست چیزی نمی فهمد. زیرا، احتمال آن وجود دارد که همانند تظاهرات ۲۰ قریب مردم دوباره به خیابان ها بیاید. این بار اما، احتمال کشنده شدن تظاهرات به خشونت بیشتر است. زیرا، گروه های سودجو و استفاده گر منتظر فرصت است. بنابراین، بهترین راه ممکن آن است که رئیس جمهور با شجاعت تمام اعلان نماید که برق ۵۰۰ کیلو ولت از مسیر بامیان می گذرد. در پایان باید گفت که در نظام های مردمی و به خصوص در کشورهای که گروه های مخالف مسلح دولت قدرتمند است تقابل حکومت با مردم به سود حکومت نیست. این مسئله می تواند تضعیف حکومت را افزایش دهد. زیرا، حیات حکومت وابسته به حمایت مردم است. در صورت که مردم خود را از حکومت سلب نمایند در آن صورت گروه های مخالف مسلح دولت به آسانی قدرت سیاسی را به دست می گیرند و قدرت حکومت بامیان می بخشد. از این جهت حکومت باید سخنان از انکشاف متوازن و منافع ملی بزند.

مولفه های تعارض در نظام بین الملل

سینا آذرگنیش/ قسمت سوم



اما تامل گوناگونی نشان می دهد که ممکن است بدون اینکه طرف های درگیر اشکافا از روش خشونت استفاده نمایند، رابطه ای کاملاً تعارضی نیز وجود داشته باشد بدین ترتیب تعریف و تعیین این واژه از ضروریات اساسی است. رفتار تعارض آمیز احتمالاً زمانی بوجود می آید که بازیگر الف موقعیتی ناسازگار با ارزشها، اهداف و منافع بازیگر ب کسب نماید. یعنی زمانی که به نظر می رسد هرگونه حرکت یکی از طرفین در حوزه مورد نظر، موقعیت طرف ب طرف های دیگر را به خطر بیندازد. این تعریف از تعارضات تنها دربرگیرنده ابعاد محدودی از مفهوم نظری تعارض است. علاوه بر این تعارض شامل کنش هایی مانند تهدیدات و دیپلماتیک، تبلیغات، تهدیدات نظامی و

موضوعی که ممکن است فاجعه اور باشد. ۴. به سبب فوریت و عدم اطمینان تصمیم گیرندگان روش های جایگزینی کمتری در پیش روی خود مشاهده می کنند. در وضعیت تعارضی، دولت ها ممکن است به این نتیجه برسند که چاره ای جز توسل به ابزارهای نظامی ندارند چرا که راههای را به روی خو بسته و طرف مقابل خود را قادر به انتخاب هر جایگزین و بدیلی می دانند. ۵. تصمیم گیرندگان بر این باورند که وضعیت تعارض، جنگ مسائل طرف را حل خواهد کرد. ۶. در وضعیت بحران و تعارض درک تهدیدات طرف مقابل پیش از توانایی واقعی آن طرف می باشد در نتیجه در صورتی که حکومت ها احساس کنند که ارزش های اساسی آنها مورد تهدید قرار گرفته است، احساس مقاومت آنها نیز بیشتر خواهد شد. (همان ص ۲۷۶)

ضرر طرف مقابل به دست نمی آید به عبارت دیگر بر اساس مدل حاصل جمع صفر جبری صفر صفر است در آنجا این پرسش مطرح می شود که انواع حوزه های تعارضی وضعیت حوزه های تعارضی به صورت زیر است. ۱. تعارض سرزمین ۲. ساختار حکومت ۳. افتخارات ملی ۴. استیلا منطقه ای ۵. تعارضات مربوط به آزادی خواهی و استقلال طلبی ۶. اتحاد ملی (همان ص ۲۷۶)



مجازات های مختلفی می گردد که طرف های مربوطه نسبت به طرف دیگر اتخاذ می کنند. پس در ساده ترین کلام تعارضات زمانی پدید می آید که افراد، گروهها و یا دولت ها خواهان انجام اقدامات و کنش هایی ناسازگار با گروه دیگری از طرف ها باشند. (قاسمی ص ۲۷۲)

مجازات های مختلفی می گردد که طرف های مربوطه نسبت به طرف دیگر اتخاذ می کنند. پس در ساده ترین کلام تعارضات زمانی پدید می آید که افراد، گروهها و یا دولت ها خواهان انجام اقدامات و کنش هایی ناسازگار با گروه دیگری از طرف ها باشند. (قاسمی ص ۲۷۲)

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com